



## روان (اسلام)

روان از دیدگاه اسلام و غرب جایگاه متفاوتی دارد. اسلام از روان با تعبیر لطیفه ربانی یاد می‌کند اما در غرب یک ترسیم حیوانی از انسین دارند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - روان از دیدگاه غرب
- ۲ - روان از دیدگاه اسلام
- ۳ - تفاوت دو دیدگاه
- ۴ - خلاصه
- ۵ - منابع
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

### روان از دیدگاه غرب

اگر به تاریخچه، و سیر پیدایش روان‌شناسی معاصر نگاه کنیم، به زمان افلاطون می‌رسیم. نرمال ل. من روانشناس معروف، در کتب اصول روانشناسی می‌گوید: این علم از زمان افلاطون پا به میدان اندیشه بشر گذاشت.

[۱] حبیبین، احمد، مروری بر روح آدمی از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات، چپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۹.

در سخن «افلاطون» این نکته وجود دارد که روان انسانی امری مستقل از پیکره انسانی بوده که بر اعضا و اندام‌هایش فرمان می‌دهد و بر رفتار او نظارت می‌نماید. اما در زمان ارسطو قضیه شکل دیگری به خود می‌گیرد. «ارسطو» نفس را جز کنش فرایندهای بدنی نمی‌داند. نظریه ارسطو که نفس را نتیجه رفتار بدنی انسانی می‌داند منجر به این نکته شد که آنچه به عنوان کانون ادراک آدمی مطرح است، قلب و روح نیست بلکه مغز آدمی است. نظریه ارسطو حکمیت بالمنازع خود را بر دانشمندان بعدی ادامه داد تا نوبت به «کارت» دانشمند فرانسوی رسید. تصور دکارت این بود که: «بدن مانند ماشین پیچیده‌ای است که به وسیله نور، صوت و محرک‌های دیگر تحریک می‌شود و برای توصیف این ماشین پیچیده احتیاجی به کمک گرفتن از موجود نامرئی درونی نیست». این سخن مکمل سخن ارسطو بود و دانشمندان اروپایی را وادار کرد که برای شناخت انسین، بیش از پیش به فیزیولوژی و عصب‌شناسی و عوامل مادی روی بیاورند و روانشناسی را بیش از پیش در بستر علوم تجربی قرار دهند، و این باعث جدایی روانشناسی از فلسفه شد. بعد از جدایش روانشناسی از فلسفه و اجرای روش علمی در روانشناسی، بحث در ماهیت روان از روانشناسی حذف شد و جایگاه آن در فلسفه واقع شد، و در روانشناسی به مطالعه رفتار آدمی، از جنبه‌های مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر روی آوردند.

حتی بعضی از مؤلفین معاصر، روح را به عنوان نام یکی از خدایان افسانه‌های یونان قدیم که در ابتدا، زندگی بشری و قنای پذیر داشته و بعداً در زمره خدایان در آمده و جاودان گردیده است، معرفی می‌نمایند و معتقدند کیفیت روح یا روان، ناشی از این افسانه جاودانی است. این مؤلفین اعتقاد به وجود روح را که عامل حیات انسین و سایر موجودات زنده می‌باشد، به عنوان اعتقادی که در تاریخ بشریت وجود داشته و در حال حاضر دلیلی برای پذیرش آن وجود ندارد معرفی می‌نمایند. آنها سعی و افری بکار می‌برند تا چنین وانمود سازند که مسئله روان، صرفاً یک اعتقاد مذهبی می‌باشد که بر پایه علم و تجربه استوار نیست بلکه نیروی مرموز و پنهان است.

[۲] حسینی، سید ابولقاسم، بررسی مقدماتی اصول روانشناسی اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چپ اول، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹.

### روان از دیدگاه اسلام

قبل از بیان دیدگاه اسلام در زمینه روان، لازم است این نکته تذکر داده شود که واژگانی نظیر روح، نفس، روان و... در روانشناسی اسلامی، مترادف هم بکار می‌روند، هر چند بعضی با نگاهی موشکافانه تفاوت‌هایی را برای آنها بیان می‌کنند، اما غالباً در یک معنا استعمال می‌شوند.

نفس انسین بر خلاف تصور دانشمندان مادی، یک پدیده فیزیکی و شیمیایی برخاسته از فعل و انفعالات بدنی نیست. بلکه یک «لطیفه ربانی» است که پس از تکامل جنین، در رحم مادر، به او دمیده شده، و از آن لحظه به بعد، این روح الهی است که بر کلیه اندام و تشکیلات جنینی فرمان می‌دهد و پس از طی مراحل تکامل، به تدریج از جسم تجرد حاصل نموده و وارد نشئه دیگر، یعنی برزخ شده و پس از طی تکامل برزخی به نشئه اخروی که گسترده‌تر از دو نشئه قبلی است بر می‌گردد.

این سیر تکامل که از جسم پیدا می‌شود و باروحانیتش در عالم قیامت بقا می‌یابد، هرگز نمی‌تواند از نظم هستی، که اداره و تدبیرش با ذات مقس الهی است جدا و مستقل باشد، لذا وقتی در رابطه با انسان از تکامل سخن می‌رود چیزی جز رجوع به خدا نیست.

### تفاوت دو دیدگاه

۱. در اسلام از «روان» انسانی به عنوان یک «لطیفه ربانی» نام برده شده است در حالیکه در غرب یک ترسیم حیوانی از انسان دارند با این دید که فرایند عصبی و ذهنی انسان بسیار پیچیده‌تر از حیوان است.

۲. همچنین باید توجه داشت که آن گوهر وجودی انسان (روح)، چیزی غیر از **بین** است، البته این غیریت بدن و روح بدین معنا نیست که این دو، دو چیز مستقل و در عین حال مرکب‌اند بلکه مقصود این است که روح، اصل وجود انسانی است و بن به منزله مرکب و ابزار اوست. اصولاً بدن به معنای اعضاء زنده و فعال، مثل چشم و گوش و... نمی‌تواند بدون روح وجود داشته باشد.

۳. حبیبیان، احمد، مروری بر روح آدمی از دیدگاه اسلام، ص ۴۵.

۳. تفاوت دیگری که در شناخت روان از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب و تفکرات روان‌شناسی غربی وجود دارد این است که اسلام، قلمرو شناخت روان را به معلومت محدودی (که مقتضیات و شرائط یک جامعه، در دورانی معین ایجاب می‌کند) منحصر نمی‌کند، و روان را در عین معین بودنش در هر فردی از انسان‌ها، مانند یک حقیقت عام تلقی می‌کند که مجموعه ایست از استعدادها و توانایی‌های بی‌شمار، و بدین جهت است که تفکر و شناخت درباره روان را کاملاً باز می‌گذارد.

به نظر می‌رسد نکته بسیار مهمی که در آیه شریفه «سنریهم آیتنا فی الآفاق و فی انفسهم»

۴. فصلت/سوره ۴۱، آیه ۵۲.

وجود دارد همین است که ارائه **آیات** و نشانه‌های خداوند که مرتبط به روان است از طرف خداوند استمرار داشته و در یک عدد از نمودها و فعالیت‌های درونی محدود نمی‌شود.

آن بیت معروفی که به **امیر المؤمنین (علیه‌السلام)** نسبت داده شده است نیز به همین نکته اشاره دارد:

أَتْرَعُ أَتْكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ

وَ فَيْكُ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ

«آیا گمان می‌بری که تو یک جرم کوچک هستی، در حالیکه دنیای بزرگتری در تو پیچیده است.

۵. جعفری، محمدتقی، روانشناسی اسلامی، تهران: انتشارات پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۲.

پیدایش روان از خداست و حیات آن ابدی است و هیچ فنائی در او نیست. از دیدگاه قرآن، انسان، معجونی از عناصر مادی و روان می‌باشد و شرافت انسان مربوط به روان اوست. روان انسانی از آن‌چنان موقعیتی برخوردار است که اولین انسان به امر خداوند مسجود **فرشتگان** می‌گردد.

## خلاصه

باید گفت زاویه دید اسلام و غرب در زمینه روان متفاوت است. هر چند نگاه آن‌ها گاهی با هم تلاقی می‌کند اما در اکثر زمینه‌ها با هم تفاوت دارند. در روانشناسی غرب، روان به مرور زمان جای خود را به رفتار داد، اما در اسلام روان جایگاه بالا دارد و از آن تعبیر به «لطیفه ربانی»، «حیلت جاودانی»، «گوهر وجود انسانی»، «عامل حیلت انسان» و... می‌کند، در حالیکه غرب اصلاً به این موضوعات توجهی ندارد.

## منابع

۱. روانشناسی اسلامی برای دانشجویان، سیدابولقاسم حسینی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی.
۲. بررسی مقدماتی اصول روانشناسی اسلامی، سیدابولقاسم حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. مروری بر روح آدمی از دیدگاه اسلام، احمد حبیبیان، انتشارات سازمان تبلیغات.
۴. مقدمه روانشناسی، علی شریعتمداری، مؤسسه انتشارات مشعل.
۵. اسلام و روانشناسی، محمد آل اسحاق، قم ۱۳۶۹.
۶. مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آنها، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت.

## پانویس

۱. ↑ حبیبیان، احمد، مروری بر روح آدمی از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۹.
۲. ↑ حسینی، سید ابولقاسم، بررسی مقدماتی اصول روانشناسی اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹.
۳. ↑ حبیبیان، احمد، مروری بر روح آدمی از دیدگاه اسلام، ص ۴۵.
۴. ↑ فصلت/سوره ۴۱، آیه ۵۲.
۵. ↑ جعفری، محمدتقی، روانشناسی اسلامی، تهران: انتشارات پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۲.

## منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «روان»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۳/۳۱.